

فصل نامه علمی پژوهشنامه تاریخ اسلام
سال سیزدهم، شماره پنجاه و یکم، پاییز ۱۴۰۲
مقاله پژوهشی، صفحات ۹۳-۱۲۲

جشن‌ها و کارکردهای آیینی آن در دوره گورکانیان هند (۹۶۳-۱۱۱۸)

فریبا پات^۱

فاطمه مهری پریرزاد^۲

چکیده

جشن به‌عنوان آیین (Ritual) در دوره اوج حکومت گورکانیان هند، از زمان اکبرشاه تا دوره اورنگ زیب به شدت مورد توجه بود. تشریفات همراه با موسیقی و طرب، شور و نشاط زیادی به جشن‌ها بخشید تا جایی که آوازه این جشن‌های باشکوه، مرزهای امپراطوری گورکانی را درنوردید و ناظران خارجی را نیز به آگره کشاند. تلاش پادشاهان گورکانی برای برپایی این جشن‌های مفصل و پرهزینه، تعدد و تنوع جشن‌ها و اهتمام به جشن‌های غیردینی و جشن‌های خاص بومیان، این سؤال را به ذهن متبادر می‌کند که کارکرد این جشن‌ها اعم از غیردینی و دینی چه بوده و چه چیز پادشاهان گورکانی را به برپایی این جشن‌ها سوق داده است؟ در این پژوهش سعی شده‌است با توجه به کارکرد آیین در انسان شناسی فرهنگی و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و براساس منابع کتابخانه‌ای و نگاره‌های موجود در موزه‌ها این موضوع مورد بررسی و واکاوی قرارگیرد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که جشن‌های این دوره به‌عنوان آیین، غیر از جنبه تفریح و سرگرمی، نقش مهمی در هویت‌بخشی و انسجام اجتماعی حول قدرت حاکم داشت و نماد قدرت و شوکت و ثروت تلقی می‌شد و به مشروعیت پادشاهان گورکانی کمک می‌کرد.

کلیدواژه‌ها: آیین، جشن، انسان شناسی فرهنگی، گورکانیان هند.

۱. دانشیار گروه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

f.pat@alzahra.ac.ir

۲. کارشناس ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. Fm.parizad1992@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۰۲/۰۸/۲۵

تاریخ دریافت: ۰۲/۰۶/۱۵

Celebrations and their ritual functions during the *Gūrkāniyān* in India (963-1118 AH)

Fariba Pat¹

Fatemeh Mehri Parizad²

Abstract

Celebrations as rituals during the peak of the *Gūrkāniyān* in India from the time of Akbar to the period of Aurangzeb were of great significance. The ceremonies accompanied by music and joy added a lot of excitement to the celebrations, to the extent that the fame of these magnificent celebrations crossed the borders of the Empire and attracted foreign observers to Agra. The efforts the kings of *Gūrkāni* to hold these elaborate and costly celebrations, the multiplicity and diversity of the celebrations, and the emphasis on non-religious celebrations and specific local celebrations raise the question of what the functions of these celebrations, both religious and non-religious were and what did motivate the kings of *Gūrkāni* to organize these celebrations? This research aims to examine and analyze this topic, considering the function of rituals in cultural anthropology and using a descriptive-analytical method based on library resources and artifacts available in museums. The findings indicate that the celebrations of this period, as rituals, played an important role in identity formation and social cohesion around the ruling power, were perceived as symbols of power, glory, and wealth, and contributed to the legitimacy of the kings of *Gūrkāni*.

Keywords: Ritual, celebration, cultural anthropology, *Gūrkāniyān* of India.

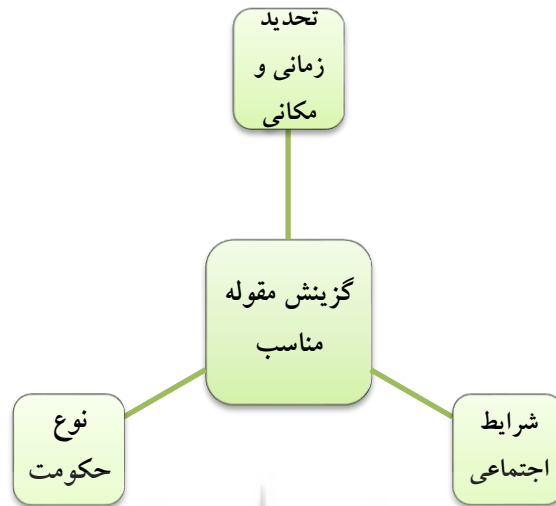
1. Associate Professor, Department of history of Islamic culture and civilization, Alzahra university, Teheran. Iran (Corresponding Author). f.pat@alzahra.ac.ir

2. M.A. in History and Civilization of Islamic Nations, Alzahra University, Tehran, Iran. Fm.parizad1992@gmail.com

درآمد

تاریخ اجتماعی به‌عنوان رشته‌ای نوظهور، در قرن بیستم به دنبال مردم‌شناسی یا به تعبیر بهتر انسان‌شناسی اجتماعی و فرهنگی شکل گرفت (نک. فریرن، ۲۰-۶۳؛ موسی پور، ۱۴۱-۱۴۴) و مقوله‌های اجتماعی متنوعی چون آداب و رسوم، جشن‌ها، خوراک و پوشاک، تفریحات و غیره را به مورخان عرضه کرد تا از زوایایی نو به مطالعه تاریخ بپردازند. نکته حائز اهمیت آن است که اگر هر یک از این مقوله‌ها با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه مورد بررسی مورخ انتخاب شوند، به پژوهش‌هایی مدون، منظم و دقیق منتهی خواهد شد (نک. هنرمندی و رنجبر، ۳۱۱-۳۴۱). در مورد مسئله این پژوهش باید گفت که انسان‌شناسان فرهنگی به جشن‌ها به «عنوان»^۱ «آیین»‌هایی (نک. استفنسون، ۳۹-۶۲) که کارکردهای مهمی چون گذار، هویت‌دهی، انسجام بخشی، معنادگی و نظم بخشی به زندگی و از همه مهمتر ساختن فرهنگ برعهده دارند، توجه کرده‌اند (Smith, 57-63). بنابراین مطالعه یک جامعه و فرهنگ در یک دوره تاریخی بدون توجه به این مؤلفه فرهنگ‌ساز ناتمام است.

۱. رویدادها یا اعمالی را در مفهومی کلی‌تر با عبارت «به‌عنوان...» گنجانیدن که سبب روشن‌تر شدن و تبیین آن رویدادها و اعمال و مشخص شدن جایگاه و کارکرد آنها می‌شود. در روش‌شناسی تاریخی «Colligation» و «Colligatory Explanation» و آن مفهومی که این نقش را ایفا می‌کند «Colligatory Concept» نامیده می‌شود. Colligation را به «همآوری» به معنای سازماندهی و نظم بخشیدن ترجمه می‌کنند. والش معیار به کارگیری مفاهیم هم‌آور را این گونه توضیح می‌دهد: «افزون‌بر پرسش اینکه آیا مفاهیم با امور واقع سازگارند، باید بتوان به این پرسش پاسخ گفت که آیا این مفاهیم امور واقع مزبور را روشن می‌کنند یا نه؟ در درجه اول منظور این است که کاربرد مفاهیم هم‌آور تا چه حد گذشته واقعی را برای ما از واقعیت برخوردار و قابل فهم می‌کند. هدف از هم‌آوری در اساس افزایش فهم است» (Walsh, 127-144).



با در نظر داشتن این نکته، پژوهش حاضر جشن را به‌عنوان آیین^۱ در محدوده تاریخی و جغرافیایی شبه‌قاره هند در حدود سال‌های ۹۶۳ تا ۱۱۲۶، مقارن با حکومت گورکانیان هند بررسی می‌کند. بایتر (حک. ۹۳۲-۹۳۷)، سرسلسله گورکانی پس از تصرف کابل در سال ۹۱۰ به هند حمله کرد و سرانجام با شکست ابراهیم لودی افغانی در جنگ بانپت،^۲ حکومت گورکانیان را تشکیل داد (دوغلات، ۵۲۰؛ علامی، ۹۸/۱). پس از آن اکبرشاه (حک. ۹۶۳-۱۰۱۴) و جانشینانش جهانگیرشاه (حک. ۱۰۱۴-۱۰۳۷)، شاه جهان (حک. ۱۰۳۷-۱۰۶۸) و اورنگ‌زیب (حک. ۱۰۶۸-۱۱۱۸) به‌رغم مشکلات بسیار در جامعه هند، از جمله تکثر قومی و تنوع مذهبی حاکم در جامعه هند موفق شدند دوران طلایی حکومت مسلمانان را در شبه قاره رقم زنند. در دوره آنها با انباشت ثروت در خزانه‌ها و گسترش امنیت در هند، تنوع و تعدد جشن‌ها به‌عنوان یکی از مقوله‌های مهم اجتماعی به منتهای خود رسید و به انسجام جامعه‌ای با تکثر و تنوع قومی و مذهبی تحت حکومتی واحد و شکوفا کمک کرد.

1. Ritual.
2. Panipat.

پادشاهان گورکانی به هر مناسبت جشن‌های مفصل و پرهزینه‌ای ترتیب می‌دادند و به میزان اغراق‌آمیزی از موسیقی و طرب در برپایی این جشن‌ها بهره می‌گرفتند. آنها حتی از جشن‌های رایج میان اقوام هندی با طبقات گوناگون اعم از فرودست، میانه یا فرادست غافل نشدند. با توجه به این توضیحات به نظر می‌رسد هدف جشن‌ها در آن دوره، محدود به گذران اوقات فراغت و تفریح و سرگرمی نبود- اگرچه سرگرم کردن مردم هدف بسیار مهم حکومت برای آرامش اجتماعی و پرهیز از ناامنی است- و احتمالاً انگیزه یا انگیزه‌های مهم‌تری از برپایی آنها وجود داشت. با توجه به محدودیت و پراکندگی اطلاعات اجتماعی در منابع نوشتاری، سعی شده است این موضوع با تکیه بر نگاره‌های موجود در آرشیو موزه‌های معتبر ویکتوریا و آلبرت، موزه ملی هند، موزه متروپولیتن و بریتانیا مورد واکاوی قرار گیرد.^۱

پیشینه پژوهش

درباره جشن‌ها در هند دوره اسلامی تلاش‌هایی در قالب کتاب و مقاله به چشم می‌خورد. چوپرا^۲ (۱۹۵۵م) در کتاب خود به نام *جامعه و فرهنگ در عصر مغول*،^۳ برخی جشن‌ها و رفتارهای جشنی را توصیف می‌کند. اطرعلی^۴ (۲۰۰۶م) و موکیا^۵ (۲۰۰۴م) به ترتیب در کتاب‌های *هند عصر مغول*^۶ و *مغولان هند*^۷ به اختصار به بررسی جشن‌ها پرداخته‌اند. نوروزی (۱۳۸۹ش) در مقاله «جشن نوروز در دربار تیموریان هند» از میان جشن‌های مهم گورکانیان، به‌طور مشخص به نوروز پرداخته و سیر آن را از ابتدا تا انتهای سلسله گورکانیان بررسی کرده است. توکلی مقدم و رودگر (۱۴۰۱ش) در مقاله «جشن‌ها و رفتارهای جشنی در قلمرو جهانگیرشاه گورکانی (۱۰۱۴-۱۰۳۷)،

^۱. جهت دسترسی آسان‌تر به نسخه موجود در آرشیو موزه‌ها، ذیل هر نگاره آدرس به شکل *هایپرلینک* درج شده است.

2. Chopra.
3. *Some Aspects of Society and Culture During the Mughal Age*.
4. Athar Ali.
5. Mukhia.
6. *Mughal India*.
7. *the Mughals of India*.



با تکیه بر دو منبع جهانگیرنامه و مجالس جهانگیری» به مطالعه تطبیقی و طبقه‌بندی جشن‌ها در دوران جهانگیرشاه پرداخته‌اند. شاپور شهبازی و موسی پور (۱۳۹۳ش) نیز در مقاله «جشن» تلاش کرده‌اند تا ابتدا ضمن ریشه‌یابی واژه جشن، سیر جشن‌های ایران باستان و جهان اسلام را مورد بررسی قرار دهند که در خلال مطالب به جشن‌های هند نیز اشاره کرده‌اند. رضوی^۱ و پانت^۲ (۲۰۰۲م) نیز در مقاله‌ای کوتاه تحت عنوان «نوروز: جشن درباری هند در قرون میانه»،^۳ تاریخچه عید نوروز را در هند بررسی کرده‌اند. بر این اساس، تفاوت پژوهش حاضر با کارهای انجام شده در این زمینه آن خواهد بود که سعی دارد به جشن‌ها به‌عنوان آیین که کارکردهای مهمی چون هویت‌دهی، انسجام-بخشی، معنادهی و نظم‌بخشی به زندگی و از همه مهمتر ساختن فرهنگ دارد، با رویکردی نسبتاً متفاوت و با استفاده از منابع کمتر مورد توجه، چون نگاره‌ها پردازد. بنابراین گنجاندن جشن‌ها ذیل مفهوم آیین و توجه به کارکردهایی که انسان‌شناسان برای آن برشمرده‌اند از جمله معنابخشی و نظم‌دهی به زندگی و فرهنگ‌سازی و استفاده از نگاره‌ها در کنار منابع مکتوب جنبه نوآورانه این پژوهش است.

سابقه و نحوه برگزاری جشن‌ها

جشن‌ها همواره در زندگی مردم وجود داشته‌اند و به‌عنوان سازنده فرهنگ بشری، با مراسم و مناسک خاص برگزار می‌شدند. جشن‌ها نشانه حیات جامعه و گردآورنده گروه‌های متنوع اجتماعی است که ضمن ایجاد سرور و نشاط در جامعه، با ایجاد پیوندی نامرئی میان اعضا، به جامعه تحت حکومتی واحد قوام می‌بخشند و به جامعه نظم و سامان می‌دهند. در ایران باستان تنوع جشن‌ها به حدی رسیده بود که هر ماه از سال با جشن‌ها و مناسکی ویژه از سایر ماه‌ها متمایز می‌شد. به‌عنوان نمونه جشن نوروز در ماه فروردین، جشن اردیبهشتگان در ماه اردیبهشت، جشن خردادگان در ماه خرداد، جشن آبریزگان و تیرگان در ماه تیر و جشن‌های دیگر تا پایان سال تداوم داشتند

1. Rizvi.

2. Pant.

3. NAUROZ: A COURT FESTIVAL OF MEDIEVAL INDI.

(بیرونی، ۲۱۸-۲۲۴؛ گردیزی، ۲۳۹-۲۴۵). ظهور اسلام و فتوحات اسلامی موجب تغییرات و تحولات کمی و کیفی در جشن‌ها شد. اعراب^۱ مسلمان پس از فرو نشستن آتش جنگ‌ها، در واکنش به مقولات فرهنگی و اجتماعی از جمله جشن‌های رایج در ملل مفتوحه، غالباً راه اعتدال و تسامح در پیش گرفتند. بدین ترتیب یا در جشن‌های غیرمسلمانان حضور یافتند، یا در اسلامی‌سازی جشن‌ها تلاش کردند و یا بخشی از عناصر و رفتارهای جشنی آنان را اقتباس کردند. از همین رو جشن‌ها نه تنها از بین نرفت، بلکه تکثیر شد (Yafeh, 47). دوره گورکانیان را می‌توان در تاریخ شبه‌قاره هند مصداق بارز این موضوع دانست. برای نمونه بابر (حک. ۹۳۲-۹۳۷)، و فرزندش همایون (حک. ۹۳۷-۹۴۷ و ۹۶۲-۹۶۳) با نوروز آشنایی داشتند و گاهی نیز آن را جشن می‌گرفتند. بیت «نوروز و نوبهار و می و دلبری خوشست // بابر به عیش کوش که عالم دوباره نیست» (فرشته، ۲۱۱/۱) و نیز «دفن قتلک نگار (متوفای ۹۱۱)، مادر بابر در باغی به نام «باغ نوروزی» حکایت از این آشنایی دارد. ازدواج بابر با همسر محبوب و ایرانی‌اش ماهم^۲ (متوفای ۹۳۸) و حضور ایرانیان و چهره‌هایی چون خواندمیر (۲۹۶) در جمع ملازمان او را باید از عوامل مهم انتقال فرهنگ ایرانی به دربار گورکانی قلمداد کرد. آشنایی همایون با مراسم و جشن‌های ایرانیان در این زمینه بی‌تأثیر نبود. شاه‌طهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸۴) هنگام حضور همایون در ایران به حکام و اکابر شهرها دستور داد هر جا که موکب او مستقر شد ضیافت‌های شاهانه ترتیب دهند. به گفته علامی (۱/ ۳۰۹-۳۰۸؛ نیز نک. بیات، ۲۳) همایون در آستانه نوروز به هرات رسید و در مدت اقامتش، امرا هر روز او را جهت سیر و سیاحت به یکی از باغ‌های مشهور می‌بردند و از وی پذیرایی می‌کردند و میزبانان هنگام خروجش، از هر طرف زر نثار او می‌کردند.^۳ در دوره اکبرشاه بود که نوروز با چنین پیشینه‌ای در شمار جشن‌های رسمی



۱. برای آگاهی از جشن‌های اعراب قبل از اسلام نک. جوادعلی، ۱۰۰/۵؛ شکری، ۳۴۵/۱-۳۴۸.

۲. ماهم سومین و محبوب‌ترین همسر بابر و بانوی اصلی حرم بود و لقب پادشاه بیگم داشت. او زنی بانفوذ بود و بعد از وفات بابر، همواره سعی داشت میان همایون و برادرانش صلح برقرار کند.

۳. برای توضیحات بیش‌تر در خصوص نحوه استقبال و پذیرایی شاه طهماسب از همایون نک. علامی، ۳۶۰/۱-۳۱۶.

گورکانیان قرار گرفت (برای سایر جشن‌ها نک. ادامه مقاله).

در آن دوره استفاده از موسیقی و طرب^۱ بخش جدایی‌ناپذیر جشن‌ها شد. اهل طرب با اجرای موسیقی و رقص و آواز، مسرت‌بخش مجالس بودند و پس از پایان جشن انعام دریافت می‌کردند (بداؤنی، ۲/۲۳۹؛ لاهوری، ۴۵۸، ۴۶۲). گرچه گزارشی مبنی بر حضور هنرمندانی به نام لولی (سرودگوی کوچک‌ها)^۲ و رقاصانی به نام پاتر (زن آوازه‌خوان، رقاصه) در باغ بابرشاه دیده می‌شود (بابر، ۲۳۰)، اما به نظر می‌رسد که از زمان اکبرشاه حضور اهل طرب در قالب گروه‌های مختلف در دربار رسمیت یافت. یکی از این گروه‌ها خنیاگران بودند که اکبرشاه آنان را به هفت دسته (که متشکل از گوینده، خواننده، نوازنده طنبور، قانون و سایر آلات موسیقی بودند) تقسیم کرد و هر کدام را در یکی از ایام هفته به حضور پذیرفت تا ساعاتی او را سرگرم کنند (علامی، ۱۶۴/۱). بخش مهم دیگری از فعالیت خنیاگران آواز خواندن و نواختن ساز بود (همان، ۱۴۲/۳). البته تفکیک مهارت سایر گروه‌ها تاحدی دشوار است، زیرا آنها معمولاً با انواع هنرهای طرب‌انگیز آشنایی داشتند و از تلفیق رقص و موسیقی و آواز، برنامه‌های خود را ترتیب می‌دادند. به‌عنوان نمونه گروهی به نام دف‌زن که غالباً زن بودند، در مراسم کدخدایی و تولد، ساز و دهل می‌نواختند. آنان بیش‌تر در محافل عورات (زنان) حاضر می‌شدند، اما از زمان اکبرشاه در مجالس مردان نیز هنرهای خود را به نمایش گذاشتند. «نتوه» رقاصان ماهری بودند که آواز هم می‌خواندند. گروهی به نام «بهاند» علاوه‌بر نواختن دهل و تار همراه با رقص از مهارت‌هایی چون تقلید صدا و افعال جانوران، عبور آب از راه بینی به دهان، فرو بردن سیخ آهنی از راه دهان به شکم و اموری از این دست برخوردار بودند. «نت»ها هم دسته‌ای بودند که ضمن بند بازی و معلق زدن، تال

۱. طرب در لغت به معنای شادمانی، شادی، سرور، نشاط و جنبش، طرب‌انگیز به معنی هرچیزی که خوشی و شادی آورد و منظور از اهل طرب مغنی، مطرب، سازنده و نوازنده (مذکر و مؤنث) است نک. نفیسی، ذیل طرب. در منابع دوره گورکانی نیز استعمال این واژه‌ها بسیار رواج داشته است. برای اطلاع بیشتر نک. جهانگیر، ۳۱۱؛ جلالی، ۲۵۶؛ بداؤنی، ۲/۲۱۰؛ بختاورخان، ۲۳۹/۱.

۲. برای اطلاع بیشتر نک. نفیسی، ذیل لولی.

و دهلی می‌نواختند (همان، ۱۱۲).

در نگاره جشن ازدواج اورنگ‌زیب (نگاره ۳) حضور اهل طرب با لباس‌های فاخر در حال دست‌افشانی یا نواختن آلات موسیقی به وضوح دیده می‌شود.^۱ براساس گزارش منابع، وی در سال‌های نخست حکومت خود گاهی مطربان و بزم‌آرایان را به حضور می‌پذیرفت، اما به مرور از پذیرش آنان خودداری کرد. او به خوانندگان، نغمه‌سرایان و مطربانی که توبه می‌کردند، مقرری و زمین می‌بخشید تا از این راه امرار معاش کنند (بختاورخان، ۱/۳۸۵). بر این اساس شاید بتوان علت کاهش فعالیت اهل طرب در آن دوره را با گرایش‌های مذهبی سلطان مرتبط دانست.

گورکانیان و جشن‌های غیر دینی

در طول حیات امپراطوران گورکانی جشن‌های متعددی رواج داشت که از میان آنها تولد و ازدواج به‌عنوان مراسم گذار و نوروز به‌عنوان آیین نظم‌دهنده به فعالیت‌های در قالب سال با تشریفات وسیع‌تر برگزار می‌شد. درک صحیح کارکرد و ماهیت تفریحی و سیاسی این جشن‌ها متضمن توضیح مختصر در باب نحوه برگزاری آنهاست که در ادامه به تفکیک بررسی خواهد شد.

۱- جشن تولد به‌عنوان آیین گذار^۲ و جشن وژن

جشن تولد برنامه مخصوص داشت. این جشن در سال نخست به شکل جشن تطهیر برگزار می‌شد. اکبرشاه پس از تولد جهانگیر دستور داد آیین تطهیر او را به جای آورند (حسینی، ۱۱). به این مناسبت او را غسل دادند و هفت شبانه‌روز جشن گرفتند (بداؤنی، ۲/۸۳). این وضعیت منحصر به سال نخست بود و در سال‌های بعد یعنی در

۱. برای شناخت بیشتر فعالیت اهل طرب نک. نگاره ۶.

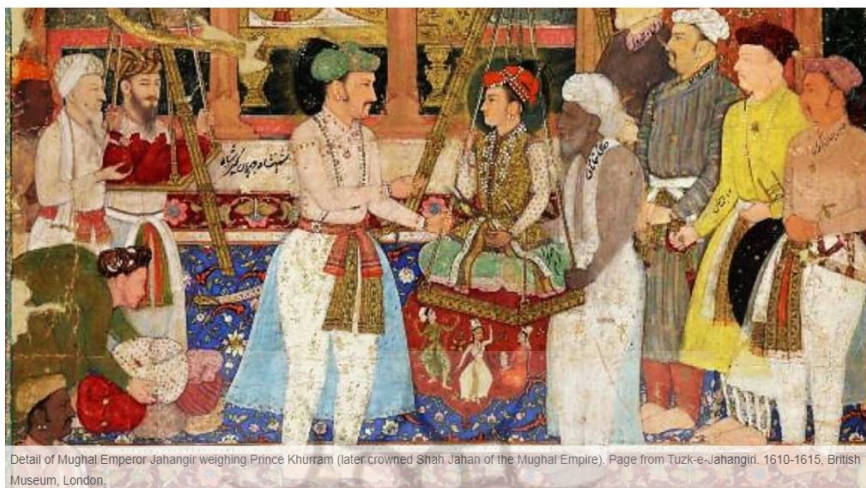
۲. آیین‌های گذار به مجموعه‌ای از رفتارها و آیین‌هایی گفته می‌شود که به‌صورت نمادین و به‌هنگام گذار انسان از مرحله‌ای به مرحله دیگر در زندگی اجرا می‌شود. این مراحل می‌تواند شامل زندگی جسمانی، فرهنگی یا اجتماعی باشد، از جمله تولد، عروسی، مرگ، زیارت رفتن، پیوستن به فرقه‌های صوفیانه یا مذاهب دیگر یا پیوستن به پیشه‌هایی خاص و یا تغییر پایگاه در پیشه یا فرقه معین (نک. اسدیان، ۲۷-۲۸).

دوران شاهزادگی، این جشن به شکلی کاملاً متفاوت و در قالب جشن «وزن» شمسی برگزار می‌شد. در دوران امارت نیز، جشن تولد به دو بار در سال افزایش می‌یافت. یعنی شاه یک بار مطابق با سال شمسی و یک بار هم مطابق با سال قمری وزن می‌شد (علامی، ۱۴۰۱). جهانگیرشاه در شرح جشن وزن می‌نویسد: «مجلس وزن شمسی که از ابتدای سال سی و هشتم بود از عمر من منعقد گشت به دستوری که بر بست و آیین بود اسباب وزن را با ترازو در خانه حضرت مریم زمانی مرتب و آماده ساخته در ساعت و وقت مقرر به خیریت و مبارکی در ترازو نشسته هر علاقه آن را یکی از کلان سالان در دست گرفته دعا کردند اول مرتبه به دعا وزن شد سه من و ده سیر به وزن هندوستان و بعد از آن به بعضی از فلزات و بعد از آن به بعضی از فلزات و انواع و اقسام خوشبوئی‌ها و مکفیات تا دوازده وزن ... در سال دو مرتبه خود را به طلا و نقره و سایر فلزات و از قسم ابریشم و پارچه و اقسام حبوبات و غیره وزن می‌کنم. یک مرتبه در سر سال شمسی و یک مرتبه در سال قمری» (جهانگیر، ۴۵-۴۶).



شاید در نگاه اول برگزاری جشن تولد یکی از تفریحات معمول دوران حیات گورکانیان هند به نظر رسد، اما یکی از رفتارهای قابل توجه در این جشن، نحوه به جا آوردن مراسم وزن است که با کالاهای ویژه انجام می‌شد. بنابر گزارش علامی (۱۴۰۱)، اقلامی که در زمان اکبرشاه برای جشن وزن مورد استفاده قرار می‌گرفت، عبارت از طلا، سیماب، ابریشم خوشبو، مس، روغن زرد، آهن، شیر، برنج، نقره، پارچه، سرب، میوه، شیرینی، روغن کنجد و سبزی بود. برای مجلس وزن جهانگیرشاه و شاه جهان، مرتبه اول طلا و یازده مرتبه هم انواع فلزات و اجناس خوشبو استفاده شد

(لاهوری، ۵۴۱؛ حسینی، ۹۱). در نگاره شماره ۱ مربوط به جشن وزن شاه جهان روند این مراسم به خوبی مشهود است.



Detail of Mughal Emperor Jahangir weighing Prince Khurram (later crowned Shah Jahan of the Mughal Empire). Page from Tuzk-e-Jahangiri. 1610-1615. British Museum, London.

نگاره ۱

در این تصویر، در یک کفه ترازو شاه جهان و در کفه دیگر کیسه‌های زر قرار دارد. کالاهای گران قیمت دیگری نیز در تصویر دیده می‌شوند که به نوبت به عنوان وزنه مورد استفاده قرار می‌گیرند. نکته‌ای که تولد را از یک جشن تفریحی و به عنوان آیین گذار به عملی سیاسی شبیه می‌سازد، تقسیم کالا و اقلام گوناگون میان فقرا است. به نظر می‌رسد این اقدام صرفاً جهت شناسایی فقرا و اعطای صدقات به آنان نبود و با گذر زمان شکل سازمان یافته‌ای به خود گرفته است؛ به گونه‌ای که افرادی معتمد در مکان‌های مشخص وظیفه توزیع صدقات را برعهده داشتند. در زمان اکبرشاه این مسئولیت بر عهده ابوالفضل علامی و زیر دستانش بود و بعدها اماکنی به نام «خیر پوره» و «دهرم پوره» برای فقرا بنا شد (بداؤنی، ۱۸۷/۲، ۲۲۶). جذب فقرا به بدنه جامعه سیاسی جنبه انسجام بخشی این آیین را نشان می‌دهد.

جهانگیرشاه نیز در زمان حکومتش دستور داد وزن شمسی و قمری پدر مرحومش

اکبرشاه را تخمین زده و پول طلای معادل با آن را به شهرهای بزرگ بفرستند تا میان فقرا تقسیم شود (حسینی، ۱۰۸). این بذل و بخشش ملوکانه احتمالاً بازتاب اجتماعی مثبتی نیز به دنبال داشت؛ جلب حمایت بومیان در سطوح مختلف اجتماعی به منظور اطمینان یافتن از عدم مخالفت و شورش از سوی آنها برای پادشاهان غیربومی ضروری به نظر می‌رسید، به همین دلیل جشنی مانند جشن تولد به راحتی می‌توانست اهمیت و نقش سیاسی پیدا کند و سلاطین گورکانی را دوستدار و حامی محرومان جامعه معرفی و به وحدت سیاسی جامعه کمک کند.

۲- جشن کتخدایی و کارکردهای سیاسی آن

در منابع عصر گورکانی به جای ازدواج از کتخدایی یا کدخدایی (به معنی دامادی، خانه‌داری و عروسی) استفاده شده است (علامی، ۱۴۳/۳؛ جهانگیر، ۱۲۲، ۱۲۸؛ لاهوری، ۴۵۲؛ بختاورخان، ۲۳۲). در این جشن شاهزاده‌ای که به سن بلوغ رسیده بود، با دختری ازدواج می‌کرد که بنا بر صلاحدید شاه انتخاب شده بود. غالباً این انتخاب آمیخته با انگیزه‌های سیاسی بود. گفت و گوی شاه‌جهان با همسرش ممتاز محل درباره ازدواج فرزندان‌شان داراشکوه و شاه‌شجاع و نحوه انتخاب دختران، اهمیت سیاسی این جشن را به خوبی نشان می‌دهد. شاه‌جهان اشاره می‌کند: «اگر نخستین خلف خلافت (داراشکوه) بکریمه ستوده نیر شاهزاده پرویز که بوالا نژادی عز امتیاز دارد چه از جانب پدر نبیره حضرت غفران پناه جنت مکانی است و از جانب مادر نواسه شاهزاده مراد خلف حضرت عرش آشیانی و دومین (شاه شجاع) را بدختر نیک اختر سلاله خاندان مجد و علا رستم میرزای صفوی که به نجابت و شرافت موصوف است پیوند یابد، مناسب است» (لاهوری، ۴۵۲). از این گزارش چنین برمی‌آید که شاه‌جهان برای مناسب جلوه دادن دختران برگزیده، بر اصالت و خاندان آنان تأکید می‌کند؛ یعنی فارغ از ضرورت هم‌طرازی دو خانواده، ازدواج به نوعی اهمیتی سیاسی پیدا می‌کند. براساس گزارش منابع، گورکانیان در جنگ‌ها برای فرونشاندن قائله یا ایجاد متحدان نظامی به رقبای خود دختر می‌دادند یا از آنها دختر می‌گرفتند. عملی که شاید بتوان عنوان «ازدواج

سیاسی» بر آن نهاد، چراکه نوعی تضمین برای آتش‌بس میان دو جبهه بود (نک. گلبدن بانو، ۵۴). رفته رفته با اوج گرفتن حکومت گورکانی، ایجاد پیوند سیاسی در سایه روابط خویشاوندی از طریق جشن کتخدایی اهمیت بیشتری یافت. برای نمونه اکبرشاه در راستای استحکام روابط حکومت گورکانی با راجه‌های هندو که از مخالفان جدی او بودند، با یک شاهدخت راجپوتی به نام جودابای ازدواج کرد. حاصل این پیوند جهانگیرشاه بود که او نیز بعدها با سیاستی مشابه با صبیبه راجه بهگون داس ازدواج کرد (بداؤنی، ۲۳۸/۲). حتی اورنگ‌زیب نیز دختری از خاندان راجه روپ را برای فرزندش محمد معظم برگزید (بختاورخان، ۲۳۲). بدیهی است که این ازدواج‌ها و برپایی جشن‌های مفصل و باشکوه ضمن فرونشاندن اقدامات احتمالی راجه‌ها علیه حکومت، حمایت آنان از گورکانیان را نیز به دنبال داشت. بررسی‌ها نشان می‌دهد که جشن کتخدایی سلسله‌مراحلی داشت که مهم‌ترین آنها عبارت بودند از: ساچق فرستادن^۱، خانبندان^۲ و پانداز و نثار^۳ و معمولاً بخشی از برگزاری مراسم طبق توافق طرفین به خانواده عروس محول می‌شد (نک. بداؤنی، ۲۳۸/۲). این تقسیم وظایف گاهی فضای رقابت‌گونه‌ای بین دو خانواده برای برپایی هر چه بهتر مراسم ایجاد می‌کرد و گاهی تفاوت‌های فرهنگی میان دو خاندان آن قدر زیاد بود که موجب می‌شد هر یک از طرفین، مهمانی را مطابق با رسوم خود برگزار کنند. یکی از شروط ازدواج دلرس بانو

۱. لفظی ترکی و از رسومی است که یک روز پیش از عروسی به‌جا می‌آورند (دهخدا، ذیل ساچق). ساچق حاوی هدایای ارزشمندی بود که خانواده شاه برای خانواده عروس می‌فرستاد (برای آگاهی بیشتر نک. لاهوری، ۴۵۳، ۴۶۱).

۲. طی این مراسم بانوانی که در زمینه خنا بستن مهارت داشتند، مطابق با آیین و رسوم، خنا بر انگشتان مهمانان می‌زدند و رومال‌های زرنگار بر آن می‌بستند. همچنین پارچه‌هایی به نام فوط با تار و پودی از زر، میان مهمانان تقسیم می‌شد (لاهوری، ۴۵۳، ۴۶۱).

۳. معمولاً بعد از مراسم عروسی، شاهزاده بنابر احترام و وظیفه، شاه را به منزل خود دعوت می‌کرد و به یمن چنین اتفاقی مراسم پانداز به‌جا می‌آورد. شاه جهان چند روز بعد از عروسی داراشکوه، به منزل او رفت و شاهزاده از دولتخانه تا مکان نزول پدرش، طلا و نقره فراوانی به پای او ریخت و بعد از نزول هم زر و سیم بسیاری نثار او کرد (لاهوری، ۴۵۹).

با اورنگ زیب آن بود که مراسم حنابندان بنابر رسم ایرانیان صورت گیرد. به این ترتیب در بیست و دوم ذی‌حجه سال ۱۰۴۶ حنا و لوازم آن را با ساز و آواز از منزل عروس آوردند و محفل حنابندی برگزار شد (کنبو، ۲۰۲/۲).

دو نمونه عالی از نگاره‌های برجای مانده مربوط به عصر شاه‌جهان و ازدواج دو فرزندش داراشکوه و اورنگ‌زیب شیوه برگزاری این جشن را نشان می‌دهد. در نمونه نخست (نگاره ۲)، داراشکوه پیشاپیش مهمانان سوار بر اسب دیده می‌شود. کمی عقب‌تر شاه‌جهان با اسبی تزیین شده حضور دارد و پشت سر آنها نیز ملازمان با لباس‌های فاخر و سوار بر اسب شاهزاده را همراهی می‌کنند. فیل‌های بزرگ در گوشه سمت چپ تصویر، مهمانانی که شمع در دست گرفته‌اند، زنانی گشاده‌رو با لباس‌های زیبا و مراسم آتش‌بازی از دیگر جزییات این نگاره‌اند. در نمونه دوم (نگاره ۳)، شاهد بخشی از جشن کتخدایی اورنگ‌زیب هستیم که مشرف به دریای جمه^۱ در حال برگزاری است. آتش‌بازی و حضور گروه بزرگی متشکل از نوازندگان و خوانندگان زن، از وجوه برجسته این نگاره است. گویا نقاش تنها راه نمایش شکوه و شوکت گورکانیان را از این طریق امکان‌پذیر دیده و اهل طرب را به دقت و با جزئیات (با چهره‌های زیبا، لباس‌های رنگارنگ و جواهرآلات بسیار) ترسیم کرده است. البته نگاره مربوط به کتخدایی اورنگ‌زیب از منظر دیگری نیز حائز اهمیت است. چرا که در آن یکی از رسوم رایج میان هندیان به نام سهره‌بندی در حال اجرا است. سهره‌بندی یک سنت عروسی هندو بود که مغولان آن را پذیرفته بودند و به‌موجب آن، در آستانه ازدواج، یک سهره (نقاب یا پیشانی‌بند) به دور پیشانی داماد می‌بستند تا او را از چشم بد محافظت کند. شاه‌جهان نیز به پیروی از این رسم، سهره‌ای از مروارید، یاقوت و زمرد را به سر پسرش شاهزاده اورنگ‌زیب می‌بندد. در واقع می‌توان این‌گونه استنباط کرد که به جای آوردن رسوم هندیان نوعی ادای احترام به ایشان بود که به پیوند عمیق‌تر دو خانواده می‌انجامید.

۱. رودی مقدس در شمال هندوستان که از کوه‌های هیمالیا سرچشمه می‌گیرد.



نگاره ۱۲



نگاره ۱۳

1 . <https://www.rct.uk/sites/default/files/451426-1395768191.jpg>.

۳- جشن نوروز

در عصر گورکانی نوروز، اهمیت بسیار زیادی یافت و از زمان اکبرشاه در شمار جشن‌های رسمی قرار گرفت. بنابر اظهارات قوش نوروز توسط غوریان به شبه قاره هند معرفی شد و سپس به‌عنوان سنتی رایج، مورد توجه جانشینان سیاسی آنها یعنی ممالیک قرار گرفت (Ghosh, 202). از نظر رضوی و پانت ممالیک از آداب و رسوم و فرهنگ ایرانی به‌عنوان ابزاری برای پنهان کردن خاستگاه قبیلگی خود استفاده کردند (Rizvi & Pant, 290). همین مسئله را شاید بتوان به دوره گورکانیان نیز تعمیم داد؛ آنها پس از غلبه نظامی بر شبه قاره به دنبال راهی برای کسب مشروعیت و اعتباربخشی به حکومت خود بودند. اعتباری که بخشی از آن از طریق مناسک و جشن‌ها قابل جبران بود و نوروز، جشن باستانی ایرانیان این ضعف حکومتی را به خوبی پوشش می‌داد. در دوران بابر و همایون تنها نوروز را جشن می‌گرفتند (نک. نوروزی، ۱۱۹-۱۳۹)؛ اما اکبرشاه در اقدامی هوشمندانه موفق شد خلأ هویتی موجود در حکومتش را با کمک گرفتن از اعتبار ایرانیان و مناسک آنان چون نوروز جبران، و تقویم الهی را که مشخصه‌اش تطابق با ماه‌های شمسی و قرار گرفتن نوروز در ابتدای آن بود، به‌عنوان گاه‌شمار رسمی ابداع و مسئولیت تنظیم آن را به دانشمندی ایرانی به نام امیر فتح‌الله شیرازی^۱ واگذار کند (هروی، ۱۲۶). با این اقدام نوروز به سمبلی برای حکومت گورکانی تبدیل شد.

اکبرشاه و جانشینانش در برپایی نوروز از ایرانیان پیشی گرفتند و نوروز را با تجملات و تشریفات بسیار جشن گرفتند؛ دیوان‌خانه اکبرشاه در جشن نوروز بیست و هشتمین سال از جلوس وی، با اشیای قیمتی، سراپرده‌های عالی، تزئینات فرنگی، تصاویر بی‌نظیر آراسته و بازار آذین‌بندی شد و اقسام طوایف اهل نغمه و ساز هندی و فارسی و ارباب طرب از مرد و زن به مدت هجده روز به هنرنمایی مشغول شدند (بداؤنی، ۲۱۰/۲). در آن زمان نوروز عرصه مناسبی برای نمایش شکوه امپراطوری گورکانی شد.

۱. از سادات شیراز و از دانشمندان بزرگ عصر صفوی که در سال ۱۰۰۱ به دربار اکبر راه یافت و همواره مورد احترام او بود (برای آگاهی بیش‌تر نک. بهنیا، ۹-۲۴).

بسیاری از اروپاییانی که در قالب مبلغ مذهبی و یا سفرنامه‌نویس به هند سفر کرده‌اند، در آثار خود با شگفتی از برپایی جشن نوروز صحبت کرده‌اند (Foster, 119, 144; Bernier, 270). به گفته پدر مونسرات نوروز به مدت نه روز برگزار و در این مدت از همه افراد برای شرکت در آواز، رقص، بازی و توزیع هدایا دعوت می‌شد و مردم از نقاط مختلف خود را برای تماشای جشن نوروز به پایتخت می‌رساندند (Monserrate, 175-176). در دوره جهانگیرشاه و شاه‌جهان نیز نوروز از اهمیت بسیاری برخوردار بود. جهانگیر جشن اولین سال از جلوس خود را تا فرا رسیدن بهار به تعویق انداخت تا آن را مقارن با نوروز جشن بگیرد. از این رو هر سال آیین نوروز با جشن جلوس عجین و با جلال هر چه بیشتر برگزار می‌شد (جهانگیر، ۲۹). در دوران شاه‌جهان نیز هنگام تحویل سال، صدای کوس و کرنا در همه جا طنین انداز می‌شد (لاهوری، ۱۸۶-۱۸۹). اما همان‌طور که اشاره شد در اوایل دوران حکومت اورنگ‌زیب آیین نوروز پرچیده شد. بر اساس توضیحات پیشین می‌توان گفت که جشن نوروز و تشریفات متصل به آن نقش مهمی در نظم‌دهی به سالشمار امپراطوری گورکانی، هویت و اعتباربخشی به حکومت و نمایش شکوه امپراطوری گورکانی ایفا کرد.

جشن‌های بومیان هند

جشن‌های بومیان نسبت به موارد پیشین از موقعیت حساس‌تری برخوردار بود. از یک سو بخش عمده اعضای جامعه پیرو عناصر فرهنگی به‌ویژه جشن‌های خاص خود بودند و وجه تمایز آنان با دیگر طوایف به واسطه همین جشن‌ها مشخص می‌شد. از سوی دیگر پادشاهان گورکانی برای دوام دولت خود باید سیاستی موافق با فرهنگ جاری هند اتخاذ می‌کردند. شاید بخشی از مشروعیت سیاسی گورکانیان در گرو نحوه مواجهه آنان با فرهنگ بومیان و به‌طور مشخص برپایی جشن‌های آنها بود. مصادیق متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد پادشاهان گورکانی به اهمیت تعامل فرهنگی مسالمت‌آمیز با بومیان پی برده بودند. جهانگیرشاه دقیقاً درک درستی از ترکیب جمعیتی سرزمین هند داشت و از احوال و آداب و رسوم گروه‌های مختلف مطلع بود. چهار طایفه مستقر در هند؛

برهمن،^۱ چهتری،^۲ بیش^۳ و شودر^۴ جشن مخصوص به خود را داشتند.

طایفه	رسم	زمان برگزاری
برهمن	راکھی	تیرماه (برج سرطان)
چهتری	بنجی	شهریورماه (برج سنبله)
بیش	دیوالی	مهرماه (برج میزان)
شودر	هولی	اسفندماه (برج حوت)

راکشابندان رسم مهم برهمن‌ها بود. آنان آخرین روز از ماه ساون یعنی یک روز پیش از سال نو را بسیار مبارک می‌دانستند. در آن موقع از سال افراد عابد از برهمن‌ها کنار دریا و تالاب‌ها می‌رفتند و با انجام اعمالی مانند خواندن افسون و دمیدن بر ریسمان‌ها و رشته‌هایی به نام راکھی آنها را متبرک می‌کردند و روز بعد با آغاز سال نو این رشته‌های متبرک شده را بر دست راجه‌ها و بزرگان می‌بستند (جهانگیر، ۱۳۹). از زمان اکبرشاه این رسم به دربار راه یافت. امرای هندی در سال‌روز تولد امپراطور گورکانی اشیای گران‌قیمت مانند لعل، مروارید، گل‌های مرصع و جواهر گران‌بها را به رشته می‌کشیدند و به دست اکبرشاه می‌بستند. نگاره چهارم که ظاهراً تصویری ساده از اکبرشاه است، علاوه بر نشان دادن راکھی در دست پادشاه، گویای مشی سیاسی وی است. در واقع گواردهن،^۵ نقاش این نگاره سعی دارد این مطلب را به بیننده القا کند که در پرتو حسن سیاست اکبرشاه (علاوه بر این که تمامی موجودات بدون ترس و تجاوز به حریم یکدیگر در آرامش زندگی می‌کنند) برخورد با دیگر طوایف از جمله برهمن‌ها هم مبتنی بر احترام است. به نظر می‌رسد توجه به برهمن‌ها که در راس طبقه اجتماعی و مورد توجه و احترام عوام بودند، برای اکبرشاه اهمیت فراوانی داشت. این احتمال زمانی تقویت می‌شود که

جشن‌ها و کارکردهای آیینی آن در دوره گورکانیان هند (۹۶۳-۱۱۱۸)



1. Brahman.
2. Chhetri/kshetri.
3. Bish.
4. Sudra/Shudra.
5. Govardhan.

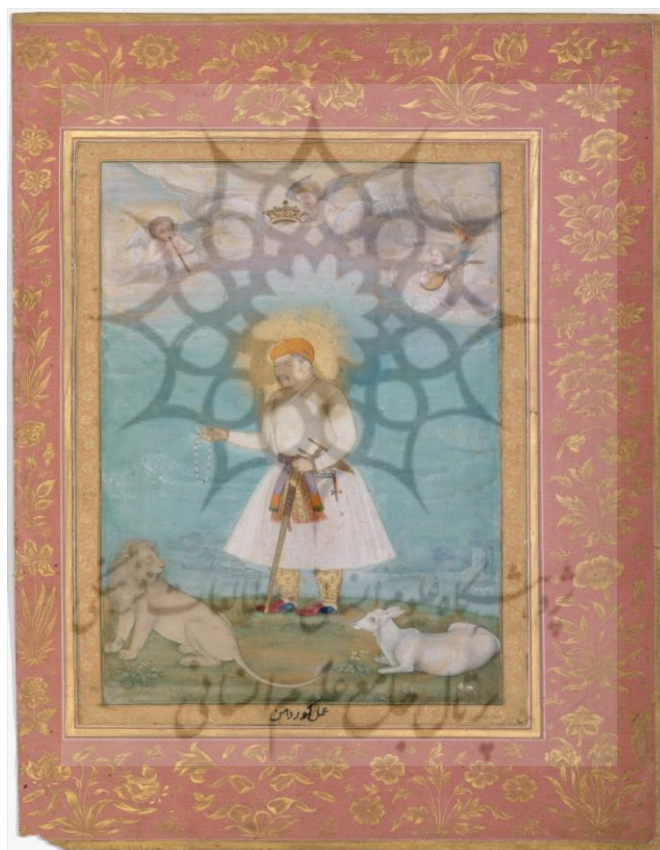
بداؤنی (۱۸۱/۲)، گله‌مندی خود را از برگزاری راکشابندان این گونه ابراز می‌کند: «اکبرشاه هر حکمی که ارباب ادیان دیگر بیان می‌کنند، نص قاطع می‌شمارد». او در ادامه با نارضایتی، احکام رایج در دوره اکبر را نیز نامعقول می‌خواند. لحن تند بداؤنی نشان می‌دهد که اکبرشاه نسبت به برپایی راکشابندان مصمم و احتمالاً هدف او بهره‌مندی از جایگاه معنوی برهمنان و نفوذ ایشان در میان مردم بوده‌است. جشن مهم دیگری که جهانگیرشاه به شرح آن می‌پردازد بنجی است که به آن دسهره^۱ هم می‌گفتند و مخصوص طایفه چهتری بود. در این جشن حیواناتی چون فیل و اسب را با آلات زینتی می‌آراستند و مورد پرستش قرار می‌دادند و مسئولان نگه‌داری از حیوانات انعام دریافت می‌کردند (جهانگیر، ۱۳۹، ۱۴۳؛ Ansari, 124). اهمیت برپایی جشن‌های هندیان برای اکبرشاه به حدی بود که مدتی پس از وفات مادرش به خادمان خود دستور داد لباس عزا را دریاورند و اسباب برپایی دسهره را مهیا کنند. این رویه در زمان جهانگیرشاه نیز دنبال شد. در پانزدهمین سال از جلوس او در شهر جشن دسهره برپا شد و اسبان و فیلان را آراسته از نظر پادشاه گذرانند (جهانگیر، ۱۸۰). جشن دیگر مورد علاقه جهانگیرشاه دیوالی^۲ بود. بیش‌ها در شب دیوالی چراغ‌های بسیاری روشن می‌کردند و در خانه دوستان خود گرد هم آمده و به قماربازی مشغول می‌شدند (همان، ۱۴۳). جهانگیرشاه هم به بهانه این جشن تا سه روز در دربار بساط قمار به راه می‌انداخت (همان، ۱۵۲؛ Ansari, 124). به نظر می‌رسد استمرار برگزاری چنین جشن‌های باشکوهی، پیروی از سیاست اکبر برای نفوذ در میان مردم و جلب اعتماد آنها بوده است. شگفت آنکه در این دوره موقعیت اجتماعی شودرها که در کف نظام طبقاتی قرار داشتند، بهانه‌ای برای نادیده گرفتن آنان از سوی سلاطین گورکانی نشد. در جشن هولی^۳ که روزی مهم در تقویم شودرها و مصادف با آخرین روز سال بود، در کوچه‌ها و گذرگاه‌ها آتش روشن می‌کردند و با فرارسیدن روز خاکستر آن را بر سر و روی یکدیگر می‌پاشیدند و شور و غوغای

1. Dashehra.

2. Diwali.

3. Holi.

عجیبی به پا می‌کردند (جهانگیر، ۱۴۳). این جشن به قدری محبوبیت داشت که حتی اورنگ‌زیب که در زمان خود بسیاری از جشن‌ها را متوقف کرده بود، مانع از برپایی این جشن توسط افسران خود نشد. کارری سفرنامه نویس ایتالیایی که شاهد این جشن بود، این اقدام اورنگ‌زیب را منطقی توصیف می‌کند، چراکه بخش اعظم فعالیت سرداران هندو مانند راجه آنوپ صرف حمایت از سیاست‌های سلطان شده بود (Careri, 210-211). از این رو می‌توان توجه اورنگ‌زیب به جشن هندوان را را اقدامی مصلحت‌جویانه و به نوعی قدردانی از افسران هند قلمداد کرد.



نگاره ۱۴

آیین‌های دینی: عید قربان و فطر

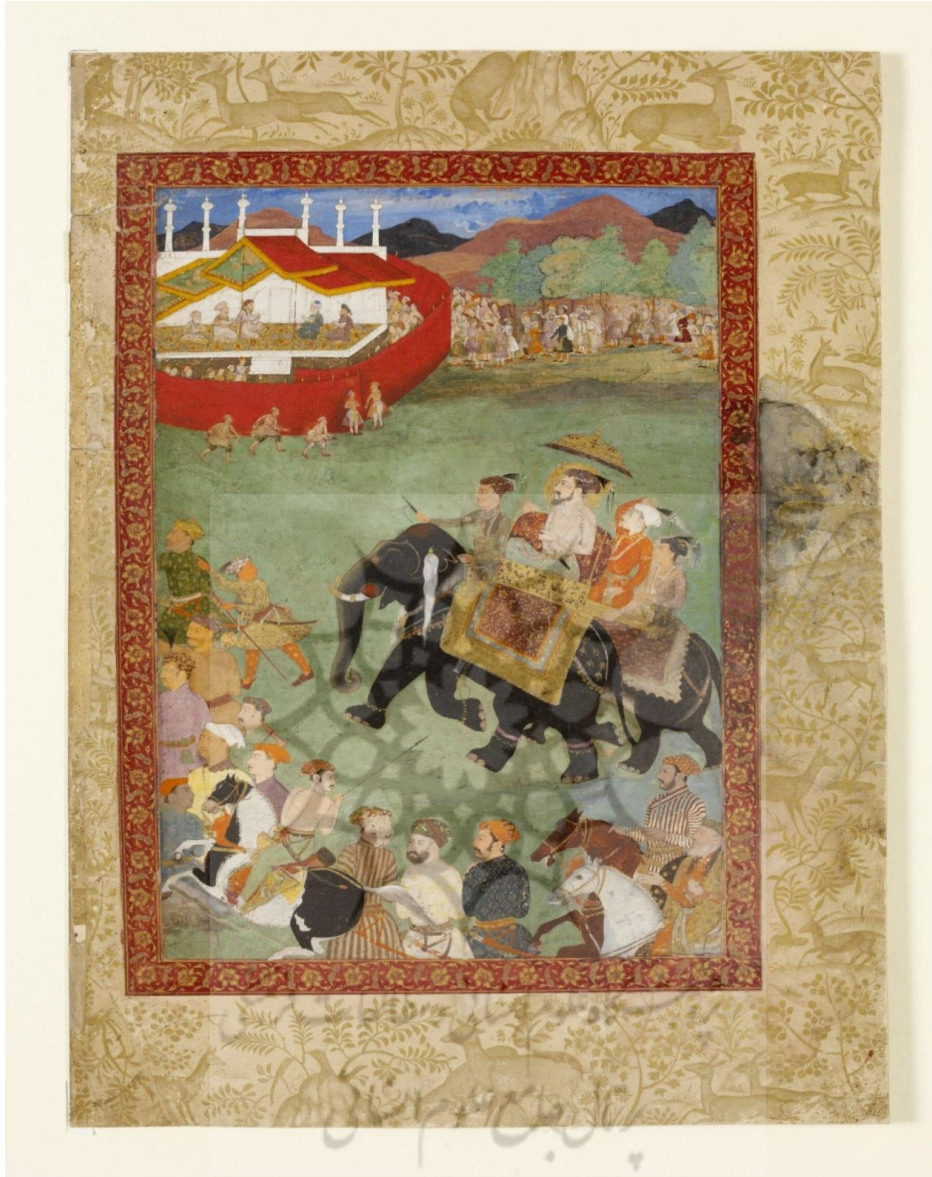
تخطی سلاطین گورکانی از احکام فقهی از جمله قمار و شرب خمر در میان گزاره‌های تاریخی فراوان است (فرشته، ۳۰۸/۱؛ جهانگیر، ۱۴۳، ۲۲۰، ۲۱۹؛ Ansari, 124).^۱ اعمالی از این دست مانع توجه آنها به اعیاد و مناسک دینی نمی‌شد. آنان به‌عنوان حاکمانی مسلمان، به اعیاد مذهبی قربان و فطر به‌عنوان آیین‌هایی دینی که کارکردهای مهمی در یک جامعه مسلمان دارند توجه خاصی نشان می‌دادند. سلطان با فرا رسیدن عید قربان و عید فطر، به عیدگاه می‌رفت و پس از اقامه نماز در راه بازگشت به دارالخلافه، به نیازمندان کمک می‌کرد. افراد مختلفی هم متصدی توزیع صدقات بودند (جلالای، ۶۲؛ حسینی، ۷۴). توزیع صدقات فرصت مناسبی برای جلب قلوب بومیان و برانگیختن حس اعتماد و بخشندگی پادشاهان گورکانی بود. جهانگیرشاه در اولین عید فطر دوران سلطنتش، طلای بسیاری را وقف صدقات کرد. او حتی در خاطراتش با تفاخر به این مسئله اشاره می‌کند که «از خوان پادشاهان راحت رسد گذارا...» چند لک^۲ دام شکار برای فقرا، یک لک دام جهت خیرات در اطراف شهر و پنج هزار روپیه به درویشان شیخ محمد حسین جامی اختصاص و دستور داد هر روز یکی از منصب‌داران، پنجاه هزار دام به فقرا هدیه دهند (جهانگیر، ۲۷-۲۸). نگاره پنجم شاه جهان و پسرانش را در حال رفتن به عیدگاه نشان می‌دهد.

در میان سلاطین گورکانی، اورنگ زیب حتی بیش از دیگران به اعیاد مذهبی توجه نشان داد. از آنجا که وی نوروز را بدعتی می‌دانست که به اشتباه در کنار آیین‌های مهم دینی قرار گرفته است، در اقدامی عجیب با برچیدن آن و اختصاص مخارجش به جشن‌های مذهبی به‌ویژه عید فطر از زیاده‌روی‌ها و تجملات سلطنت کاست. او در آستانه عید فطر ۱۰۶۹، رمضان را مبدأ سال نو قرار داد و عید فطر را با جشن جلوس خود ترکیب کرد و آن را جشن نشاط افروز نام نهاد (قزوینی، ۳۸۶؛ بختاورخان،

۱. اکبر در سال سی‌ام از جلوس خود قمار را حلال اعلام می‌کند (بداونی، ۲۳۶/۲). احتمالاً چنین اقدامی برای مشروعیت بخشی به اعمال پادشاه بوده است.

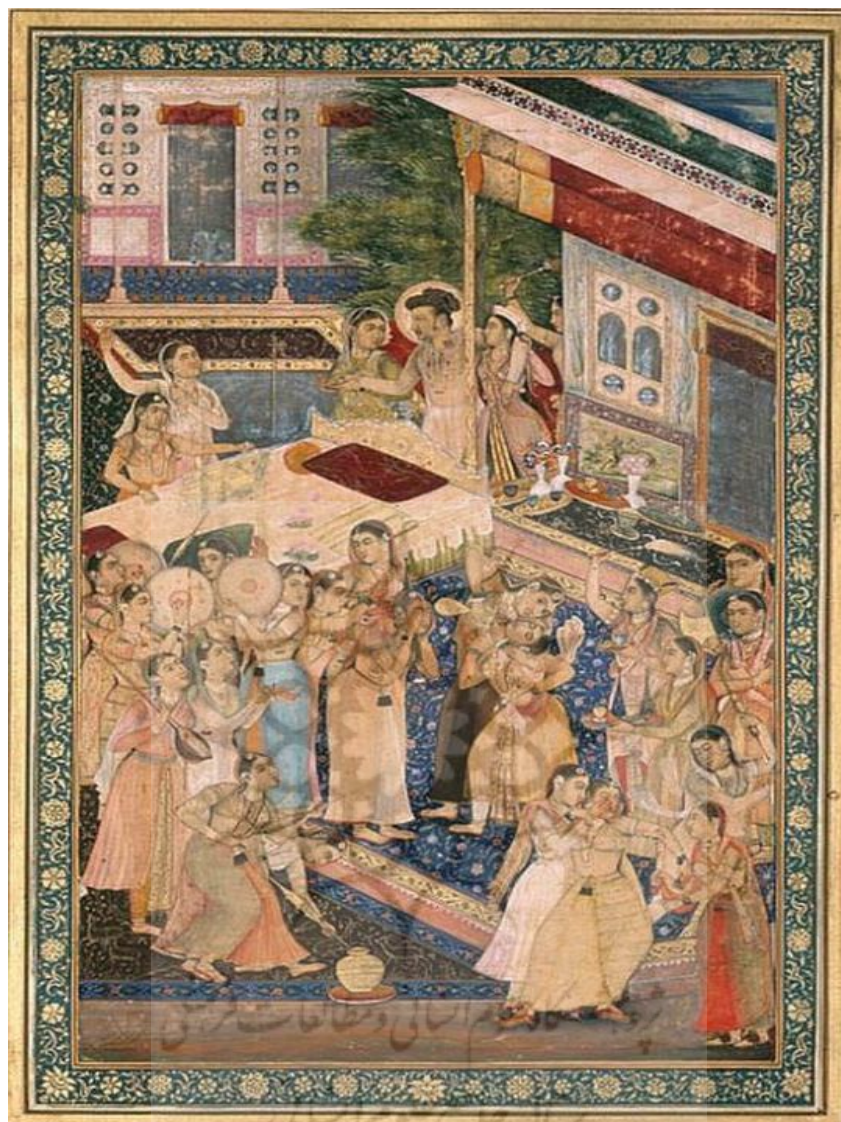
۲. واحد شمارش هندی.

۱۵۶۱) او صبح روز عید در کاخ حاضر و پس از عرض تبریک، همراه اشراف سوار بر فیل به سمت عیدگاه (که مسجدی در خارج از شهر بود و به این منظور ساخته شده بود) روانه می‌شد. اقشار مختلف مردم اعم از فقیر و غنی غالباً با لباس‌های سفید و تمیز در این جشن شرکت می‌کردند. یکی از نزدیکان اورنگ‌زیب نیز از کاخ تا عیدگاه، سکه‌ها را با دو دست بر سر جمعیت می‌افشاند (Ansari, 121). وجه بارز جشن‌های مذهبی، حضور پادشاه و جمعیت گسترده مردم در برپایی جشن و اجرای مراسم بود. اگر مردم تا پیش از این، وصف سخاوت پادشاهان را شنیده بودند، در اعیاد مذهبی می‌توانستند از نزدیک شاهد نمایی عالی از گشاده‌دستی پادشاهان گورکانی باشند. این گردهمایی که پادشاه و مردم را فارغ از طبقه اجتماعی برای برپایی جشن‌های مذهبی به هم می‌رسانید، به احراز مشروعیت دینی پادشاهان از منظر عوام کمک شایانی می‌کرد. در نتیجه شاید بتوان این گونه استنباط کرد که گورکانیان بالاخص اورنگ‌زیب چه در راستای کسب مشروعیت سیاسی و چه در جهت کسب مشروعیت دینی از اعیاد بهره می‌گرفتند.



نگاره ۱۵

1. <https://framemark.vam.ac.uk/collections/2013GD6665/full/735,/0/default.jpg>.



نگاره ۱۶



دوره اهمیت‌یابی	کارکرد	نام جشن
اکبرشاه، جهانگیرشاه و شاه‌جهان	کسب مقبولیت اجتماعی با توزیع کالاها میان فقرا	تولد
اکبرشاه، جهانگیرشاه و شاه‌جهان	<ul style="list-style-type: none"> - جلب حمایت راجه‌ها از طریق ازدواج‌های سیاسی - نمایش فرهنگ جاری در دستگاه گورکانی - ایجاد متحدان سیاسی - ادای احترام به رسوم جاری در هند (سهره‌بندی) 	کتنخدایی
اکبرشاه	<ul style="list-style-type: none"> - هویت‌بخشی به حکومت و نظم سالانه - نمایش ثروت، قدرت و شکوه امپراطوری گورکانی - نظم‌دهی به سالشمار امپراطوری گورکانی 	نوروز
اورنگ‌زیب	<ul style="list-style-type: none"> - بذل و بخشش‌های ملوکانه - کسب مقبولیت عام - کسب مشروعیت دینی 	اعیاد مذهبی (عید قربان و فطر)
اکبرشاه و جهانگیرشاه	کسب اعتماد و توجه در انظار عمومی به‌ویژه بومیان	راکشابندان، دیوالی، هولی و بنجی

پروژه‌سنگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه

بررسی منابع نشان داد جشن‌های اعم از دینی و غیردینی در دوره گورکانیان هند به واسطه کارکردهای آیین مثل گذار، هویت‌دهی، انسجام‌بخشی، معنادهی و نظم‌بخشی به زندگی و از همه مهمتر ساختن فرهنگ برگزار می‌شد. افزون‌بر این، جشن‌ها قدرت‌نمایی و جلوگاه شکوه و ثروت جاری در دستگاه سلاطین گورکانی بود. جشن‌ها افزون‌بر تفریح و سرگرمی و پرکردن اوقات فراغت، حمایت از طبقات محروم، مهار اقدامات اشراف، مدارای سیاسی را نیز به همراه داشت. اکبر شاه با رسمیت بخشیدن به جشن نوروز ظاهراً درصدد پرکردن خلأ هویتی سیمای حکومت گورکانی برآمد و از طریق اهمیت دادن به جشن‌های راکشاندان، بنجی، دیوالی و هولی خواسته یا ناخواسته موجب همگرایی و اتحاد در شبه قاره شد. جهانگیرشاه و شاه‌جهان نیز با ادامه مشی سیاسی اکبر شاه، نوروز را به نمادی برای حکومت گورکانی تبدیل کردند. اورنگ‌زیب با برپایی باشکوه اعیاد دینی قربان و فطر و تخصیص صدقات بسیار از نقش این آیین‌های دینی بهره برد و احتمالاً در پی اثبات دین مداری خود برآمد.

منابع

- استفسون، باری، آیین، ترجمه داریوش رضاپور، تهران، حکمت سینا، ۱۳۹۷ش.
- اسدیان، محمد، آداب و آیین‌های گذر انسان ایرانی، تهران، نشر هنوز، ۱۳۹۹ش.
- بابر، ظهیرالدین محمد، بابرنامه، ترجمه عبدالرحیم خان خانان، بمبئی، [بی‌نا]، ۱۳۰۸.
- بختاورخان، محمد، مرآة العالم: تاریخ اورنگ زیب، تصحیح ساجد علوی، لاهور، دانشگاه پنجاب، ۱۹۷۹م.
- بداؤنی، عبدالقادر بن ملوک شاه، منتخب التواریخ، تصحیح احمدعلی صاحب، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۰ش.
- بهنیافر، احمدرضا، «خدمات تمدنی امیر فتح‌الله شیرازی در دربار اکبرشاه گورکانی»، مطالعات تاریخ شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان، ش ۳۷، پائیز و زمستان ۱۳۹۸، ص ۹-۲۴. DOI: 10.22111/JSR.2019.4862
- بیات، بایزید، تذکره همایون و اکبر، تصحیح محمد هدایت حسین، تهران، اساطیر، ۱۳۸۲ش.
- بیرونی، ابوریحان، الاتارالباقیه عن القرون الخالیه، چاپ ادوارد زاخاو، لایپزیگ، ۱۹۲۳م.
- توکلی مقدم، حسین و قنبرعلی رودگر، «جشن‌ها و رفتارهای جشنی در قلمرو جهانگیرشاه گورکانی (حک. ۱۰۱۴-۱۰۳۷) برپایه جهانگیرنامه و مجالس جهانگیری»، تاریخ و تمدن اسلامی، ش ۴، پاییز ۱۴۰۱، ص ۷۹-۱۱۳. (DOI: 10.30495/JHCIN.2022.2102)
- جلالای طباطبایی، محمد بن محمد بن محمود، شاه‌جهان‌نامه، تصحیح سید محمد یونس جعفری، دهلی نو، انتشارات رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۸ش.
- جوادعلی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت، بی‌نا، ۱۴۱۳.
- جهانگیر گورکانی، نورالدین محمد، جهانگیرنامه، به کوشش محمد هاشم، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۹ش.
- حسینی، خواجه کامکار، مآثر جهانگیری، تصحیح عذرا علوی، هند، چاپخانه دهلی، [بی‌نا].
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام، مآثرالملوک، تصحیح میرهاشم محدث، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۲ش.
- دوغلات، محمدحیدر، تاریخ رشیدی، تصحیح عباسقلی غفاری فرد، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۸۳ش.
- دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش.
- شاپورشه‌بازی، علیرضا و ابراهیم موسی‌پور، «جشن»، دانشنامه جهان اسلام، تهران، بنیاد دایره المعارف



- اسلامی، ۱۳۹۳ش.
- شکری آلوسی، محمود، بلوغ الارب فی معرفه احوال العرب، به کوشش محمد بهجه اثری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۳۱۴.
- علامی مبارک، ابوالفضل، اکبر نامه، کلکته، مظهرالعجایب، ۱۸۷۷م.
- فربرن، مایلز، تاریخ اجتماعی، ترجمه ابراهیم موسی پور، تهران، سمت، ۱۳۹۴ش.
- فرشته، محمدقاسم هندوشاه استرآبادی، تاریخ فرشته، تصحیح محمدرضا نصیری، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۷ش.
- قزوینی، محمدکاظم، عالمگیرنامه، به کوشش عبدالحی خادم حسین، کلکته، انتشارات کالج پریس، ۱۸۶۸م.
- کتب لاهوری، محمد صالح، عمل صالح موسوم به شاه جهان نامه، تصحیح وحید قریشی، لاهور، انتشارات مجلس ترقی ادب، [بی تا].
- گردیزی، عبدالحی بن ضحاک، زین الاخبار، چاپ عبدالحی حبیبی، چاپ افست تهران، دنیای کتاب، ۱۳۴۷ش.
- گلبدن بانو، گلبدن نامه، به کوشش ایرج افشار، تهران، بنیاد موقوفات محمود افشار (انتشارات ثریا)، ۱۳۸۳ش.
- لاهوری، ملاعبدالحمید، پادشاه نامه، به اهتمام اشیانگ سوسینی بنگاله، تصحیح مولوی کبیر الدین احمد و مولوی عبدالرحیم متعلقین، کلکته، انتشارات کالج پریس، ۱۸۶۷م.
- موسی پوربشلی، ابراهیم و محمد ابراهیم باسط، تاریخ اجتماعی، دانش، روش، آموزش، تهران، سمت، ۱۳۹۴ش.
- نفیسی، علی اکبر، فرهنگ نفیسی، تهران، خیام، ۱۳۵۵ش.
- نوروزی، جمشید، «جشن نوروز در دربار تیموریان هند»، مطالعات تاریخ اسلام، ش ۴، بهار ۱۳۸۹ش، ص ۱۱۹-۱۳۹ (DOR: 20.1001.1.22286713.1389.2.4.7.5).
- هروی، خواجه نظام الدین احمد، طبقات اکبری، تصحیح بی-ام-آئی-سی-اس، بنگال، انتشارات پیست، [بی تا].
- هنرمندی، ندا و محمدعلی رنجبر، «مسأله مقوله بندی در موضوعات تاریخ اجتماعی روزانه»، تحقیقات تاریخ اجتماعی، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۹ش، ص ۳۱۱-۳۴۱ (DOI: 10.30465/shc.2021.33857.2169).
- Ansari, Muhammad Azhar, *Social Life Of The Mughal Emperors (1526-1707)*, Allahabad & New Delhi, Shanti Prakashan, 1974.

- Athar Ali, M., *Mughal India*, New Delhi, Oxford University Press, 2006.
- Bernier, Francois, *Travels in the Mughal Empire*, Oxford University Press, 1916.
- Careri, Gemelli, *Indian travels of Thevenot and Careri*, New Delhi, National Archives of India, 1949.
- Chopra, Pran Nath, *Some Aspects of Society and Culture During the Mughal Age (1526-1707)*, Panjab, University Edition, 1955.
- Foster, William, *The embassy of Sir Thomas Roe to the court of the Great Mogul (1615-1619)*, London, The Hakluyt Society, 1899.
- Ghosh, Rajoshree, “The Dynamics of a Mughal Court Festival: A Case Study of Nauroz”, No.2, Vol 44, P202-212, 2017.
- Monserrate, Antonio, *The commentary of Father Monserrate on his journey to the court of Akbar*, London, Milford, 1922.
- Mukhia, Harbans, *the Mughals of India*, New Delhi, Blackwell Publishing, 2004.
- Rizvi, S.N.R & Poonam Pant, *NUROZ: A COURT FESTIVAL OF MEDIEVAL INDI*, Indian History Congress, Vol. 63, 2002, P289-298.
- Smith-Shank, D. L. “Community Celebrations as Ritual Signifiers”, In *Visual Arts Research*, No. 2, Vol. 28, 2002, P57-63.
- Walsh, W.H., “Colligatory Concepts in History”, in Gardiner Patrick (ed), *Theories of History*, Glancoe, Ill, The Free Press, 1959.
- Yafeh, Hava Lazarus, *Some religious aspects of Islam: a collection of articles*, Leiden, 1981.

پروفیسر کاشمیر علی اورنگزیب
پرتال جامع علوم انسانی